



مبانی اقتصادی و اقتضایات مالی تکوین دولت در جامعه ایرانی

مهرناز بیات کمیتکی* - استادیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مهدی بالوی - استادیار حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سید سلمان سامانی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

The economic foundations and financial requirements of the state development in the Iranian society

Abstract

The modern state is a renewable and evolutionary phenomenon and it cannot be evaluated so that it has Single Cause. Therefore none of the fields of the Human Sciences alone cannot fully explain the emergence of the modern state without interaction with other disciplines; Political superstructure in various countries, primarily influenced by the social and cultural systems of communities as the cornerstone of the governance structure and then it is based on, a special financial and economic approach; Economic indicator and financial components of each society in conjunction with the social, political, legal and executive structures play a significant role in the development of the modern state. In other words, the form and content of the governance system has a meaningful relationship with the economic and financial characteristics of that state and the attitude of state towards concepts such as the market, movement of capital, and potential role of government in the economy. In this article we will present a conceptual analysis of the state and explain development of state in the Iranian society and then we will analyze the evolution and transformation of the state from the perspective of most distinctive economic features and financial characteristics.

Keywords: state, Modern state, economic foundations, financial requirements, Iranian society.

چکیده
دولت مدرن پدیده‌ای تکاملی و تجدیدشونده بوده و نمی‌توان آن را بصورت تک‌علی و تک‌ساختی مورد ارزیابی قرار داد؛ فلذا، هیچیک از حوزه‌های متکثر علوم انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، مالی، اداری، نظامی و ... به تنها و بدون کنشگری متقابل با سایر حوزه‌ها، نمی‌تواند پیدایش دولت مدرن را به طور کامل تبیین نماید. بدین ترتیب اگرچه رویتای سیاسی الگوی دولت در کشورهای مختلف، تابعی از ساختار اجتماعی، فرهنگی و فکری مردمان آن جوامع به مثابه سنگ بنای ساختار حکمرانی قلمداد می‌گردد، مع الوصف در وهله بعد ضرورتاً بر اندیشه خاص اقتصادی و مالی ابتناء می‌باشد. بر این اساس، فقدان آمادگی لازم بافت اقتصادی و مالی برای ایجاد نهاد دولت- ملت، لاجرم استقرار معیوب اندامواره‌های اقتدار نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت. شاخه‌های اقتصادی و مولفه‌های مالی هر جامعه، در مقام تلفیق با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اجرائی و... قادر است تا نقش قابل ملاحظه و تاثیر بسزایی را در روند تکوین دولت ملی ایفاء نماید. به دیگر سخن، شکل و محتوای نظام حکمرانی در هر کشور ارتباط معناداری با خصایص بافت اقتصادی و شرایط مالی آن کشور و نحوه نگرش نظام حاکم به مفاهیمی همچون بازار، گردش سرمایه، نقش آفرینی دولت در عرصه اقتصاد و... دارد. در این نوشته متعاقب تحلیل اجمالی پدیده دولت و تشریح روند تکوین و تکامل آن در جامعه ایرانی، به بررسی و تجزیه و تحلیل تطور و تحول دولت مدرن از منظر شاخص‌ترین انگاره‌های اقتصادی و پارامترهای مالی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: دولت، دولت مدرن، مبانی اقتصادی، اقتضایات مالی، جامعه ایرانی.

مقدمه

دیگر از منظر جامعه‌شناختی، بستر سیاسی و اجتماعی پیدایش دولت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. همچنین در سایر رشته‌های علوم انسانی نظری جغرافیای سیاسی، اقتصاد، مردم‌شناسی و سیاست‌گذاری عمومی، صورت‌بندی بحث به گونه‌ای متمایز انجام شده است. همچنین در جامعه‌شناسی سیاسی، رویکردهای متفاوتی نسبت به ماهیت دولت مدرن اتخاذ گردیده که از جمله بازترین آن‌ها می‌توان به رویکرد ذهن‌مدار مارکس و بر ریکرد طبقاتی کارل مارکس و رویکرد نهادی ساختاری رویارویی اشاره نمود. باری؛ علیرغم این تعدد نظرات در خصوص دولت، اغلب اندیشمندان براین باورند که ساختارها، نهادها و رویه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌ای وجود دارند که تلاش در جهت تشریح آنها، تحت عنوان پدیده دولت، امری منطقی است.

به نظر می‌رسد تکوین دولت مدرن و به طور کلی تغییرات مربوط به مدرنیته، حاصل مجموعه‌ای از عناصر و اتفاقات است که در یک بستر اقتصادی و مالی مشخص حادث گردیده و بعد از گونه‌گون آن با یک نگاه تک‌بعدی و تک‌ساخته شود. به هنگام بحث از ماهیت دولت مدرن، دولت را به مثابه یکی از مفاهیم اساساً جدال برانگیز، توسعه‌نایافته، نمادی مبهم، دالی واحد با مدلول‌های متعدد و متکثر و یا به یک تعبیر، پدیده‌ای مورد مناقشه که حاوی مشکلات عدیده در معنا، مفهوم و کاربرد است، می‌یابیم.

بر این بنیاد، سخن گفتن درباره دولت مدرن چه در ساحت نظر و چه در عرصه عمل، بسیار مشکل است، چراکه دولت به واسطه گستردگی مفاهیم و موضوعات قابل بحث پیرامون آن، دارای پیچیدگی‌های مفهومی و موضوعی فراوانی است و این امر، زمینه ارائه مطالب و دیدگاه‌های گوناگون در خصوص چیستی و ماهیت آن را فراهم می‌سازد. ارائه تعریفی جامع و دقیق از مفهوم دولت که به نحو گستردگی مورد پذیرش اندیشمندان علوم انسانی قرار گیرد، امری دشوار جلوه‌گر می‌نماید، به طوری که هر یک از متفکرین و نظریه‌پردازان، مفهومی خاص از این پدیده چند وجهی را در ذهن داشته و بر این مبنای آن را از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. بر همین اساس، برخی زمینه‌های ذهنی و فکری پیدایش دولت مدرن را بر جسته نموده و رویکردی صرفاً نظری به‌این مفهوم داشته‌اند. حال آنکه برخی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۷۶

ارزیابی تکوین پدیده دولت از منظر مولفه‌های اقتصادی و انگاره‌های مالی

آسیب‌شناسی ساختار اقتصادی نظام حقوقی و سیاسی مستقر، صرفنظر از تبیین میزان کارائی و راندمان سیاست‌های مالی و پولی در جهت توزیع و تخصیص بهینه منابع و ثروت‌های عمومی، از منظر فلسفه سیاسی، پدیداری دولت‌های شبه مدرن، مدرن و پسامدرن و نیز

ارتباط با پاره‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، آرمان‌ها و مفاهیم بشری‌اعم از ضرورت استقرار عدالت اجتماعی، گسترش رفاه همگانی، تضمین حقوق بنیادین بشر به طور عام و به صورت مشخص تر رابطه آن با بحث عدالت توزیعی، موجه سازی مداخلات دولت در حوزه‌های گونه گون و در نهایت محدودسازی حقوق و آزادی‌های فردی و... اهمیت شایان و جایگاه ممتازی یافته است. چه اینکه یکی از مضامین نظام حقوق بشر در دنیای معاصر، نحوه تضمین و کیفیت تحقق ابعاد مختلف حقوق آدمیان در جهت توسعه و حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد، در دنیائی نابرابر و توأم با شکاف‌های عظیم اقتصادی و مبتنی بر تفاوت‌های آشکار در برخورداری انسان‌ها از منابع زیستی می‌باشد.

صرف‌نظر از مداخلات کمی و کیفی دولت‌ها در عرصه اقتصادی که در چارچوب تئوری‌های چهارگانه نفوکلاسیک، انتخاب عمومی، هزینه مبادلاتی و نظری اطلاعات صورت پذیرفته و در قالب الگوهای مکاتب سه‌گانه اختیارگرا، لیبرال نوین و جمع‌گرا که مشتمل بر وجود تمایزات بنیادینی در نظمات گوناگون کمونیستی، فاشیستی، سوسیال دموکرات و لیبرال می‌باشد، ارائه گردیده است، باید اذعان داشت که اساساً حکومت‌های امروزی در مسیر ساماندهی، سازماندهی، تمشیت، تنظیم و تعديل کارویژه‌های اقتصادی، ضمن اتخاذ تدبیر بایسته‌ای پیرامون مقررات گذاری اقتصادی، نسبت به حضور و مداخله در عرصه بازار اقدام نموده و با اعمال نظارت مستمر بر منابع مالی و پولی جامعه، ضمن اتکاء به سیاست‌ها و مقررات پیش‌گفته، از طرق گوناگون ابزارهای اداری، قانونگذاری و حتی قضائی در حوزه اقتصاد نقش آفرینی و رفتار بازیگران این حیطه را کنترل می‌نمایند. در این جاست که هر آن ممکن است، تصمیمات اقتصادی حکومت بسان سدی مستحکم در برابر روند تکوین و تکامل بایسته دولت مدرن قرار گرفته و در جهت تضیيق و تحديد روزافزون حقوق بنیادین شهروندان گام بردارد. توضیح آنکه به سبب عدم استقرار فرآیندهای دموکراتیک و نظمات مشارکت حداکثری شهروندان در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها، عمل‌جلوه‌های تمامیت خواهی

بر تارک جامعه سایه افکنده و بدین ترتیب مداخلات حاکمیت در مقررات گذاری‌های اقتصادی در مسیر تامین منافع و مطامع متنفذین حرکت نموده و موجبات تضییع حقوق حقه آحاد مردم را فراهم می‌سازد. بناء‌علی هذا ضروریست تا حکومت در اتخاذ تدبیر و سیاست‌های گوناگون به ویژه تصمیمات اقتصادی که منجر به اقدامات مداخله جویانه دولت در ابعاد و شوون حیات اقتصادی شهروندان می‌گردد، اصول حاکمیت قانون، پاسخگوئی به شهروندان، انصاف، عدالت رویه‌ای و تشریفات شایسته و قانونی را نصب العین خویش قرار دهد. مسلماً پاسخگو بودن دولت و نهادهای عمومی و نیز امکان تعییه نظام کنترل قضائی از طریق نهادهای مستقل بر ماموران و دستگاه‌های اداری، شرط لازم و نقطه عزیمت هرگونه تصمیم‌گیری در حوزه مسائل اقتصادی می‌باشد. به دیگر سخن، مقررات گذاری اقتصادی و مداخله دولت در بازار در بستر و فضای غیر دموکراتیک دارای تبعات و پیامدهای آنچنان هولناکی برای شهروندان است که رها کردن بازار به حال خود، نمی‌تواند چنین آثار مخرب و زیان‌باری را به همراه داشته باشد.

سنگ بنای موججه و مرکز ثقل مقومه مداخلات دولت‌ها در مناسبات اقتصادی از طریق مقررات گذاری و تبیین سیاست‌ها و اصول راهبردی در این باب، بر پایه تضمین منفعت عمومی با اتکاء به دکترین نارسائی بازار و بهبود برابری استوار گردیده است. بارزترین شرایط اساسی سیاست‌سازی و مقررات گذاری اقتصادی را باید در پنج مولفه امکان پذیری، مطابقت با قانون برتر و مادر اساسی، متخذه بر مبنای مجوز قوانین موضوعه، قرارگرفتن در زیر چتر کنترل و نظارت قضائی و پیاده سازی جستجو نمود. بسیاری از تدبیر متخذه از سوی دولت‌ها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، همنوئی معناداری را با تضمین حقوق بنیادین شهروندان برقرار ساخته و همپوشانی عینیت یافته‌ای را با تحکیم حق‌های بشری آحاد افراد اجتماع متبیلور می‌سازد. بناء‌علی هذا انتظام قواعد و مقرراتی نظیر منع فعالیت‌های رقابتی غیر شرافتمدانه، اعم از تبلیغات دروغین و فریبندی، تحریب رقبا، جعل علائم تجاری، دستبرد به اطلاعات تجاری رقبا و... منع

دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۷۷

اشتغالات کارگری غیر عادلانه با متد تنظیم بازار کار، جلوگیری از تمرکز مفرط و افسارگسیخته اقتصادی و پیشگیری از انبساط قدرت مالی و پولی از طریق اعمال قوانین ضد انحصار، وضع مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر درآمد های اضافی، مالیات بر مشاغل و...، ممانعت از نوسانات شدید و مهلهک اقتصادی با هدف محافظت از سلامت اقتصادی شهروندان با خلق قواعدی همچون کنترل حجم پول در گردش، نظارت بر قیمت‌ها و اعتبارات و...، نظارت بر کیفیت کالاهای و خدمات عرضه شده در بازار، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان با بهره گیری از سیاست‌های اعم از استانداردسازی، صدور پروانه، نظارت بر تولید، انتشار اطلاعات و... در این مسیر قابل ارزیابی می‌باشد.

از منظر مارکسیستی، شیوه تولید آسیابی در نظام سنتی جوامع مشرق زمین، عامل بنیادین عدم شکل گیری بستر سیاسی، اجتماعی مناسب برای گذار به دولت مدرن محسوب می‌گردد. از دیدگاه مارکس، ویژگی‌های محیطی و به ویژه کم آبی در سرزمین‌های آسیابی مانع از شکل گیری واحدهای خود مختار اقتصادی می‌گردد. در نتیجه این امر، یک قدرت متمرکز سیاسی که دارای دستگاه دیوانی گسترشده ای بود، به عنوان عامل و مجری کنترل شبکه آب رسانی به گروه‌های جمعیتی پراکنده و روسایی، مالک آن سرزمین‌ها شده و سلطه سیاسی خود را بر آنها اعمال می‌نمود. بدینسان عدم وجود واحدهای خودمختار اقتصادی در کنار عدم ظهور طبقات مستقل اجتماعی که قادر باشند دولت مدرن را نهادینه سازند، نظام جدید در قالب دولت مدرن متظاهر نمی‌گردد.

سیر تکوین و تکامل پدیده دولت در ایران زمین
از منظر شاخصه‌های اقتصادی و ویژگی‌های مالی گذار به مدرنیته به طور عام و تکوین دولت مدرن به طور خاص با ویژگی‌های اقتصادی و مالی هر کشور ارتباط معناداری دارد. تغییرات عصر مدرن و تحول در جنبه‌های مختلف حیات جمیع همگی در بستر جامعه اتفاق افتاده و در درون یک بافت اقتصادی جریان می‌یابند. به هر روی واقعیت آن است که جامعه مدرن را باید به مثابه

یک نوع از حیات اجتماعی اقتصادی قلمداد کرد که تفاوت خود را با جوامع پیشامدern در ماهیت تعاملات نوینی که در آن جریان دارد عیان می‌سازد. از آنجایی که حقوق هیچگاه نمی‌تواند پشت به جامعه‌ای بایستد که برای تنظیم روابط درونی آن شکل گرفته، توجه به بافت اقتصادی و ساختار مالی جامعه برای درک ماهیت مبهم و پیچیده دولت امری ضروری است. بر این مبنای، در این قسمت از نوشتار حاضر پس از تبیین روند شکل گیری و تکوین پدیده دولت در جامعه‌ایرانی، بازترین عوامل اقتصادی و مالی ناظر بر روند مزبور، از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

الف) روند تکوین پیش از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

هجری شمسی

مطالعه ساختار حکومت‌های مستقر در جامعه‌ایرانی مبین آن است که نظام حکومت سنتی ایران در آستانه ورود تجدد، بر معجونی از اصول و نگرش‌های ایران باستان از یک سو و انگاره‌های سیاسی و اقتصادی مذهب تشیع از سوی دیگر استوار بود. اندیشه ایران‌شهری و شاهنشاهی مبنی بر فره ایزدی از طریق ترجمه متون ایران باستان، با نگرش اسلامی به سیاست و اقتصاد که در آن دین و دولت در هم آمیخته بودند، همسوئی و سازگاری داشت. برتران بدیع براین باور است که در این دوران از اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی ایران باستان که به موجب آن میان دو نهاد پادشاهی و مذهبی تفکیک صورت نمی‌گرفت و مذهب خود، بنیان پادشاهی محسوب می‌گردید، الهام گرفته شده است. مع هذا، باید توجه داشت که اندیشه سیاسی و اقتصادی در اسلام به طور عام و در مذهب تشیع به طور خاص، به هیچ روی بر تعریف دولت استوار نبوده و به تعبیر لمبتون "حقوق عمومی اسلام با تعریف دولت آغاز نمی‌شود، بلکه مبدأ حرکت آن تعریف امامت یعنی رهبری جامعه است."

باری؛ در ابتدای استقرار سلسله صفویان، بخش عمدۀ درآمد ملی از انواع مختلف مالیات بر اراضی زراعی تامین می‌گردید. قسمت زیادی از این وجه، به مصرف ارتضیان رسیده و مابقی آن نیز نوعاً مصروف پر رونق نگاه داشتن دربار شده و سهم بسیار ناچیزی به امور تولیدی

دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۷۹

ساخت. اگرچه استقرار دو طایفه اشار و زند نیز نتوانست تحول شگرفی را در مسیر دولت سازی در سطح جامعه ایرانی، ایفاء نماید. توضیح آنکه، در این برده زمانی، دستاوردهای مثبت مربوط به تدبیر سلسله صفوی، به ویژه در عرصه اقتصادی، که می‌توانست در سایه مشارکت بخش خصوصی و با هدایت حکومت مرکزی، به یک نوع سرمایه داری بومی و اصیل مبدل گردد، از بین رفته و این امر سرانجامی جز فروپاشی اقتصادی، جابجایی اجتماعی، جنگ‌های داخلی و خارجی، قحطی، بیماری و مهاجرت، به ارمغان نیاورد. در خلال این سال‌ها، تضعیف حکومت مرکزی و بی ثباتی سیاسی، افول شیوه‌های تولید و نیز فترت اقتصادی را به دنبال داشت. همچنین، ورود جامعه به عرصه سرمایه داری جهانی در دوران صفویان که می‌توانست به مثابه قوه محرك نیرومندی برای ساختار اقتصادی کشور قلمداد گردد، به سبب عدم استفاده بهینه حکام این ادوار تاریخی از منابع موجود، روندی معکوس به خود گرفته و جامعه را بصورت نیمه استعماری، به قدرت‌های بیرونی، وابسته ساخت. بر این اساس، نیکی کدی این دوران را مقطع عدم تمرکز قدرت مرکزی، حاکمیت رهبران قبائل و نزول اقتصادی دانسته، و لمبتومن نیز آن را دوره احیای قبیله‌ای، نامیده است. در مقطع افشاریه، نادرشاه اشار به جهت مبارزات مستمر و جنگ‌های پی در پی و متواتی در خارج از چارچوب مرزهای جغرافیائی کشور، در عمل، ارتش و قوای نظامی را بدل از دیوان سالاری عمومی، به مثابه شالوده و رکن اقتدار امپراطوری خویش قرارداد. نادرشاه تلاش داشت تا با احیاء حاکمیت مرکزی، روند تصاعدی و رو به رشد بحران‌های مالی و اقتصادی را مهار نماید. وی اگرچه تا حدودی در راه کنتر ساختن شتاب حرکت بحران پولی توفیقاتی را کسب نمود، اما به سبب آنکه در طول دوران حیات خویش، سرگرم فتوحات رزمی و مشغول کشورگشائی بود، باعث شد تا منابع گسترشده جامعه اتلاف گردیده و خسارات جبران ناپذیری بر پیکره نظام تولیدی و فعالین عرصه اقتصادی وارد آید.

احمد سیف، در خصوص تدبیر و اقدامات اقتصادی نادرشاه اشار اشعار می‌دارد که «حکومت مستبد و

و کارگاه‌های سلطنتی اختصاص می‌یافت. همزمان با قدرت یافتن صفویان، شالوده اقتصادی کشور روند ارتقاء رضایت‌بخشی را در پیش گرفت. در این مقطع مازاد تولیدی که در دست حکومت قرار داشت، عمدتاً در بخش‌های گوناگون اقتصاد و برای تعمیر و گسترش شبکه‌های آبیاری، جاده‌ها، کاروانسراها و... سرمایه گذاری می‌گردید. این تدبیر، افزایش تولید و تجارت را به دنبال داشته و در چنین اوضاعی، رشد جمعیت نیز سیری سعودی به خود گرفت. باید توجه داشت که صرف‌نظر از تلاش‌های شاه عباس، اقتصاد جامعه صفوی، فاقد عنصر پویائی خودگردان بود. با این همه، بدون تردید یکی از عواملی که تشکیل دولت به سبک مدرن را در ایران تسهیل نمود، ورود غیر ارادی کشور به فرآیند ادغام در نظام اقتصاد سرمایه داری جهانی در عصر صفویه می‌باشد. این امر در وهله نخست معلول عدم وجود طبقه قدرتمند سرمایه داری و یا حتی زمین دار و نیز نیاز مبرم حکومت صفوی به نقدینگی، خصوصاً در دوران شاه عباس یکم می‌باشد. در سده پانزدهم میلادی، صنعت ابریشم اروپا، گسترش چشمگیری یافته و ایران به عنوان عمدت‌ترین کشور تولیدکننده ابریشم در خاورمیانه، به صدور کالای مزبور پرداخت. رفته با ورود ایران به بازار صنایع اروپایی و شکل گیری کمپانی هند شرقی در ایران، فرآیند ادغام بازارهای ایران در نظام اقتصاد جهانی شتاب فزآینده‌ای یافت. ورود ایران به اقتصاد بین‌المللی، پیامد قابل توجهی در پی داشت و آن تغییراتی بود که در صورت بندی طبقاتی جامعه ایران به وقوع پیوست و بدین سان ساخت دولت را نیز تحت تاثیر قرار داد.

پس از اضمحلال خاندان صفوی و افول اقتدار سیاسی و اجرائی ایشان، جامعه ایرانی دوره‌ای از رکود و وقفه را در مسیر تکوین اندامواره‌های دولت مرکزی سپری نمود. توضیح آنکه، سیطره افغان‌ها بر کشور، سبب گردید تا تلاش‌های شاهان صوفی در راه تجمیع و تعییه مولفه‌های ناقص و معیوب دولت ملی به ویژه در حوزه اقتصادی، به نسیان سپرده شود. اثرات مخرب این حضور، آنچنان بر پیکره اقتصادی سایه افکند که دو خاندان افشاریه و زندیه را تا مدت‌ها سرگرم رتق و فتق این نابسامانی‌ها

و این امر، افول و کاهش شدید سطح تولید و تجارت بین المللی ایران را به دنبال داشت. بطوریکه کشور ما، بجز در مناطق محدودی از سواحل خلیج فارس، به نحو چشمگیری از صحنه تجارت جهانی کنار گذاشته شد. در مجموع باید اذعان نمود که در این مقطع از تاریخ ایران، بافت حکومت مرکزی از چنان صلات و استواری باشته ای بهره مند نبود تا بتواند سلطه ای تمام و تمام بر کشور، برقرار ساخته و در مسیر ایجاد دولتی فرآگیر و همه جانبه گام بردارد.

پس از انحطاط قوم زند و در دوران حکمرانی قبیله قاجار بارزترین مولفه ها و شاخصه های اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اداری جامعه ایرانی در این عصر را می توان در مواردی همچون "خدکامگی نظام سیاسی و اعمال یکجانبه و خودسرانه قدرت از سوی زمامداران بر مردم، عدم استقرار ابعاد گوناگون امنیت، تجاوز و ظلم روز افرون حکام ایالتی و عوامل درباری، فقدان چارچوب های قانونی برای اداره حکومت و جامعه، ضعف مفرط بنیان های اقتصادی و تسلط و اشراف عوامل حکومتی بر شرایط اقتصادی، وجود فساد گسترده در ساختارهای اقتصادی، اداری و قضائی، افزایش ظلم و ستم نسبت به تجار محلی، اصناف و کشاورزان، رشد و گسترش حوزه نفوذ بیگانگان در امور سیاسی و اقتصادی، واپسیگی ملموس کشور به دول اروپائی، فقدان آگاهی های عمومی و افزایش جهل و خرافات در میان عامه مردم و حتی رجال درباری و... احصاء نمود." براین بنیاد باید اذعان داشت که در این دوران تغییرات عمدی ای در روال حکمرانی، حادث نگردیده و الگوی زمامداری، امتداد مرحله تاریخی پیشین بوده و عواملی نظری بحران های مالی و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشت. چنین شرایطی به نوبه خود، فشارهای گسترده بیرونی و داخلی را به وجود آورده و از قدرت مادی و معنوی حکومت در مقابل با دشواری های داخلی و خارجی کاست. فلذا، حرکات اجتماعی در مسیر تغییر نظام سیاسی با ایدئولوژی مشخص تشکیل یافت. شاهان قجری به توفیق چندانی در مسیر تغییر بافت بدنه اقتصادی جامعه نائل نگردیدند. با این همه، اقدامات و

خدکامه نادر، با اتخاذ سیاست سرکوب و آزار و اذیت، هر گونه انگیزه ای برای سرمایه گذاری را در نطفه خفه نمود. این در حالی است که سیاست مالیاتی غارتگرایانه و چپاولگرایانه وی موجب شد تا اکثریت قریب به اتفاق مردم جامعه، به استثناء امکانات حداقلی برای امرار معاش خود، چیزی برای مصرف و یا سرمایه گذاری نداشته باشند. در نتیجه، هم مصرف و هم تولید در اقتصاد ایران، از این سیاست ها لطمات فراوانی خورد. حکومت مرکزی تابدانجایی درگیر لشکرکشی و جنگ بود که برای رسیدگی به مسائل و امور حیاتی و کلیدی جامعه همچون نظام آبیاری، شبکه راه ها و... مجال چندانی نمی یافت.»

در برده زمانی زندیه، اگرچه اقتدار نسبی حکومت مرکزی در کنار تدبیر و سیاست های کریم خان در باب رونق اقتصادی، رفاه همگانی، جلوگیری از فرار سرمایه های مالی به خارج از مرازهای جغرافیائی، توسعه دو طرفه مناسبات تجاری با خارجیان و... در مقام عمل، منجر به گسترش امنیت اقتصادی گردیده و رضایت مردم را به دنبال داشت، اما هرگز توانست، گامی بلند در مسیر تکوین دولت ملی قلمداد شود. علیرغم آنکه پادشاه زند، تدبیری نظیر کاهش نرخ مالیات، تشویق فعالان عرصه صنعت، ساماندهی نظام آبیاری در کشور، احیاء اراضی زراعی به ویژه در ایالت فارس و سایر نواحی جنوبی جامعه، اعطاء امتیازات گسترده به تجار و... را در راس برنامه ها و اهداف خود قرار داد، با این وجود، به سبب آنکه هیچ نوع چارچوب نهادینی برای اداره امور پیش بینی نشده، اصلاحات کریم خان با فرا رسیدن مرگش، نیمه تمام باقی مانده و بدین ترتیب، فصل نوینی از هرج و مرج و جنگ تمام عیار داخلی، فیما بین مدعیان حکومت داری ورق خورد. تا اینکه در نهایت، آقامحمدخان قاجار بر روند جنگ های قبیله ای مهر پایان کویید.

در دوران زندیه، عدم تمرکز باسته قدرت و استمرار پایگاه قبیله ای حکومت مرکزی، معلول دلائل اقتصادی بوده است. توضیح آنکه، استفاده روزافزون دول اروپائی از راه های دریائی، به نوبه خود، بر کم اهمیت شدن راه های ارتباط زمینی کشورهای آسیائی تاثیرگذار بوده

سیاست های آنها، موجب تکوین پایه ها و ارکان ساخت نوینی از حکومت داری گردیده و سرانجام، این تحولات، زایش انقلاب مشروطه از بطن جامعه را به همراه داشت. باری؛ همنوائی روزافزون شاهان قجری با شرکت ها و دولت های خارجی، افول سطح کمی و کیفی تولیدات داخلی، نابودی ساخت های اقتصادی و تجاری، فقر دامنه دار مردم، تحت الشاع قرار گرفتن استقلال اقتصادی جامعه و... حکومت مرکزی قاجاریان را با انحطاط مواجه ساخته و میزان بدھی های آن را به دول اجنبي افزایش داده و ادامه این روند، تشدید بحران های اقتصادی را در پی داشت. این نارضایتی همگانی آحاد مردم، گروه های اجتماعی، علمای دینی، فعالین اقتصادی و بازار، اشراف زمین دار و... مطالبه سراسری ضرورت تقييد اقتدار هييات زمامداری به قانون و جلوگیری از خودکامگی و استبداد حكام را به همراه آورد.

سیاست های نامطلوب هييات زمامداری در بعد اقتصادی و اتخاذ تدابيری نظير وضع تعریفه تجاری بيشتر بر تجار بومي، انحصار گستره بر معابر مالياتي، افزایش ماليات بر اراضي زراعي، کاهش مستمری و استگان، اعمال نظارت بر املاک موقوفه، استقرار گستره از منابع مالي بیرونی ... بر نابسامانی فزاينده اقتصادي و افزایش فقر عمومي تاثير چشمگيری داشت. تحولات حادثه در اين برش تاریخي موجب استعفای عین الدوله گردیده و يك هفته بعد از آن به تاريخ ۱۴ مردادماه ۱۲۸۵ هجري شمسی، فرمان مشروطيت به امضاء مظفرالدين شاه رسيد. وي در اين فرمان، تصميم خود را پيرامون برپاکردن مجلس شوراي ملي، متشكيل از منتخبين هشت گروه اجتماعي، يعني شاهزادگان، علماء، قاجاريان، اعيان، اشراف، ملاكين، تجار و اصناف اعلان و ابراز نمود. به نظر مي رسد، نخستين موج دموكراسي خواهی در ايران، ريشه در جنبش آزادی خواهانه قرن نوزدهم ميلادي كه به تکوين انقلاب مشروطه انجاميده، دارد. در مجموع، تحولات جامعه در اين ايام، بعدها منجر به نهادينه شدن پيراهي های تئوريك و اندامواره های عيني ساخت دولت ملي گردید.

مشروطه طلبان در فرايند مبارزه عملی با سنت

پاتريمونialiستي، گام های موثری برداشتند. در اين راستا، می توان اهداف انقلاب مشروطه را افزایش اقتدار حکومت مرکزی، به منظور انسجام نظام سياسی يكديست، به عنوان جانشين نظام سياسی از هم گسيخته(انقلاب اقتدار سياسی)، ايجاد دگرگونی های اقتصادي(انقلاب رفاهی)، ايجاد تحولات اجتماعي و فرهنگی(انقلاب ملي) و نهايتاً بستر سازی جهت مشاركت مردم در زندگي سياسی(انقلاب مشاركتي) ارزيباي نمود. مع الاسف حقيقت تلخ، اين بود که مشروطه خواهان در تحقق جامع اهداف انقلابي خويش، ناکام ماندند، بطور يكه با اغماض فراوان، جامعه تنها با تحقق انقلاب اقتدار سياسی، وارد دوران دولت مطلقه گردید. اگرچه ضرورت درک اين مهم خالي از لطف نيسیت که اساساً «منظور استنتاج ذاتی دولت مطلقه از انقلاب مشروطه نیست، بلکه چنان که در مورد جوامع غربی روی داد، موقعیت تاریخی ایران در گذار از نظام ماقبل سرمایه داری به نظام سرمایه داری اولیه، چنان ایجاب می نمود.» عدم تحقق اهداف انقلاب مشروطه و در نتيجه، شکل گيري بستر نظام مطلقه را می توان معلوم عوامل متعددی نظير ناکامي اصلاحات اقتصادي دانست. اگرچه پارامترهای همچون نفوذ اقتصادي بیگانگان، به نوعی منجر به تقویت حس همبستگي جمعی و يكپارچگی ملي، در مسیر مبارزه با استعمار گردید، که اين امر به نوبه خود بر ظهور و گسترش روحیه ناسیونالیستی و بیگانه ستیزی موثر افتاد.

در اواخر سده سیزدهم هجری شمسی، جامعه ايراني، پس از تجربه فراز و فرودهای انقلاب مشروطيت، هم از منظر ساختار قدرت و هم از حيث تحولات اقتصادي، اجتماعي و سياسی، زمينه استقرار نظام مطلقه حاكميتي را در خود، فراهم می ديد. بطور يكه به سبب ضعف مفترط انگize طبقات اجتماعي، دستگاه قدرت اقتدارطلب، وظيفه اصلاح و نوسازی را عهده دار گردید. چنین شرایطي لاجرم، بستر تحقق انقلاب از بالا يا نوسازی محافظه کارانه را فراهم می آورد. در اين نوع از نوسازی و تغيير، ضرورت وجود حاكم قدرتمند، جهت سركوب عناصر مخالف و نيز لزوم استقرار دستگاه ديوانی عظيم و

شهری در پیو

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۸۱

مالیات‌ها، اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی، نظارت بر انتقال یا فروش عایدات یا دارائی‌های عمومی و دولتی، اصدار امتیاز تشکیل کمپانی‌ها و شرکت‌های عمومی، تصویب انعقاد عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های اعطای امتیاز و انحصارات تجاری، صنعتی و کشاورزی، نظارت بر استقراض مقامات عمومی، کنترل هزینه‌های ناظر بر احداث شبکه راه‌ها و... بوده است، اما با تمام این، باید توجه داشت که نظارت و نفوذ وصف ناپذیر عالی ترین مقامات کشور بر عملکرد مجلس و کنترل محسوس نمایندگان از سوی پادشاه، که مصدق عینیت یافته و متبلور آن را صرف‌نظر از دخالت عمال پادشاهان اول و دوم پهلوی در روند انتخابات عمومی مجالس سنا و شورای ملی، می‌توان به طور آشکاری در توانایی و اختیار مشارالیهمما پیرامون انحلال مجلس مشاهده نمود، سبب گردیده است تا در عمل مجالس وقت، از کارکرد بنیادین و کارویژه ذاتی خود فاصله چشمگیری گرفته و در خدمت مطامع و منویات پادشاه قرار گیرند. این عوامل سبب شدن تا مجلسین، تنها در هیات نهادهای فرمانبردار، تنزل جایگاه و تقلیل منزلت یافته و بدین ترتیب، اصل نقش آفرینی شهروندان در باب تصمیم‌گیری پیرامون مقدرات خویش، از طریق وکلای منتخب ایشان در مجالس دوگانه، به شدت مورد چالش قرار گرفت. بدیهی است چنین اوضاع و احوالی، فریبه تر شدن ارکان و پایه‌های دولت مطلقه در سطح کشور را به ارمغان آورده و موجبات تجمیع اقتدار به ویژه در ابعاد اقتصادی و سیاسی را زمینه ساز گردید.

باری؛ تمرکز در حوزه امور مالی و پولی جامعه و تجمیع بدنه اقتصادی نظام حاکم، به عنوان یکی از شاخصه‌های بنیادین تکوین دولت مطلقه در اروپای باختری به شمار می‌آید. ماکس وبر در این خصوص اشعار می‌دارد، همان‌گونه که سرمایه داری در مرحله تطور خویش، مستلزم بهره مندی از یک دستگاه دیوانی کارآمد است، به ابزارهای مالی لازم نیز برای تحقق اهداف سیاسی و بوروکراتیک خود نیازمند می‌باشد. بدین ترتیب، دیوان سالاری نهادها و سرمایه داری، به گونه‌ای توامان توسعه می‌یابند. پارسونز نیز معتقد است که دولت برای نیل

نیرومند، امری غیر قابل اغماض تلقی می‌گردد. به دیگر سخن، تاسیس مبانی، تکوین و تجدید ساخت دولت مطلقه در دوران پهلوی، در واقع واکنشی اجتناب ناپذیر به ضرورت نوسازی و تحول سیاسی و اقتصادی، در سطح جامعه ایرانی، پس از از درک تحولات ناشی از انقلاب مشروطه می‌باشد.

در هنگامه اقتدار پهلویان بر جامعه ایرانی، دولت مطلقه، به مثابه کارگزار اصلی فرآیند نوسازی و اقدانات نوگرایانه، قلمداد گردید. از آنجاییکه دول پهلوی اول و دوم، فاقد خلاقیت لازم برای تحمیل ساز و کارهای ملی بر مردم، ایجاد احزاب مردمی و تبیین مبنای عقیدتی برای توجیه اقدامات تجدد طلبانه خویش بودند، تدبیر متخذه در مسیر نوسازی و تحول در ابعاد گونه گون نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، فریبه تر شدن حکومت مرکزی و تجمیع بیش از پیش قدرت نزد هیات عالی زمامداری را به همراه آورد. دولت مطلقه همزمان با این تحولات و در پی نوسازی‌های اداری، اقتصادی، صنعتی، مالی و... در قالب و هیات «مطلقه نظامی» توسط پهلوی اول انتضاج یافته و سپس در دوران فرزندش محمد رضا پهلوی، به واسطه تلاش‌های وی و نیز به سبب نقش آفرینی منحصر به فرد نهاد دربار سلطنتی، که جملگی در مسیر از میان بردن پراکندگی منابع قدرت سیاسی و اجرائی و برقراری نظارت متمرکز بر آن‌ها، گام برداشتند، در شکل «مطلقه سلطنتی» تجدید ساخت گردیده و بازسازی شد.

بدین ترتیب باید اذعان داشت که در دوران خاندان پهلوی، روند تمرکز و انباست ابعاد گونه گون قدرت سیاسی، اجرائی، اقتصادی، مالی، اداری، قضائی و... به مثابه سنگ بنا و نقطه ثقل تکوین و تکامل دولت مطلقه، به طور فزآینده‌ای تسریع گردید. این وضعیت علاوه بر اینکه معلول پارامترهای یاد شده بود، ریشه در انگاره‌های قانون اساسی مشروطیت و پیرایه‌های متمم آن داشت. توضیح آنکه، اگرچه مطابق مندرجات قانون اساسی دوران مشروطه، مجلس شورای ملی دارای ابتکار عمل گسترده‌ای بوده و در بعد اقتصادی عهده دار تسویه امور مالیه، جرح و تعديل بودجه، تغییر در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۸۲

دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۸۳

انباشت روزافزون سرمایه، نزد پادشاه و وزارت دربار گام برداشت. در این هنگامه، درآمدهای نفتی، سبب گسترش سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های دولتی و خصوصی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی گردید.

محمد رضا شاه دومین برنامه هفت ساله توسعه اقتصادی کشور (۱۳۳۴ الی ۱۳۴۱) را به مثابه طرحی میان مدت طرح ریزی نمود. ره آورد برنامه دوم، تثبیت نقش مسلط و برتر دولت نسبت به سرمایه‌های خارجی و بورژوازی داخلی بود. با این وجود نباید از تاثیر چشمگیر درآمدهای داخلی بود. در این خصوص تأثیرات اقتصادی حاصل از صنعت نفت در تحقق برنامه‌های اقتصادی دولت، به سادگی عبور کرد. این درآمدهای عظیم، علاوه بر نوسازی ساختار اقتصادی، گسترش دستگاه بوروکراسی را به عنوان یکی از ابزار مهم استقرار دولت مطلقه به همراه داشت. در این خصوص توجه به روند عمرانی دولت مطلقه سلطنتی پهلوی دوم که به ترتیب در برنامه نخست ۳۷/۱٪، در برنامه دوم ۶۴/۵٪، در برنامه سوم ۶۶٪، در برنامه چهارم ۷۵٪ و در برنامه پنجم ۸۰٪ بوده است، خالی از لطف نیست. درآمدهای نفتی و بهره مندی نظام حاکم از حمایت‌های دول خارجی و شرکت‌های چندملیتی دریافت کننده اصلی نفت کشور، منجر به وراء طبقاتی و وراء قانونی شدن هیات حاکمه گردید و در نتیجه این مهم، ستون‌ها و پایه‌های دولت مطلقه سلطنتی استحکام یافت. براین اساس بایستی استقلال دولت محمد رضا شاه از بدنه اجتماع را معلول دلارهای نفتی دانست که منبع و پایه استقلال اقتصادی دولت را فراهم می‌ساختند.

در مجموع باید اذعان داشت که در دوران پهلوی، اقدامات نوگرایانه و ایجاد تغییرات نوعاً روبنائی در حوزه‌های گونه‌گون اقتصادی، مالی و... در نهایت، روابط سنتی حاکم بر جامعه را علی‌رغم تحولات ظاهری، دچار تطورات درونی ننمود. اگر چه به واسطه اصلاحات مذکور، به جای حکومت نیمه فئودالی و پاتریمونیال قدیم، دولتی کم و بیش مطلقه در قالب نظامی و سلطنتی استقرار یافت، لیکن از آنجائیکه اقدامات اصلاح‌گرایانه عموماً از بالا، روبنائی و کم عمق بودند، به هیچ وجه نتوانستند

به مرحله کمال خویش، به شکوفائی توسعه اقتصادی، گسترش مناسبات اقتصاد پولی و رشد روابط سرمایه‌داری، نیاز مبرمی خواهد داشت.

در جامعه ایرانی همزمان با آغاز سده چهاردهم هجری شمسی، عدم شکل گیری طبقات مستقل و نیرومند اقتصادی، در کنار انباشت سرمایه مالی نزد شاهنشاه، موجبات رشد فرآینده دخلات حکومت در حوزه اقتصاد و تمایل آن به تمرکزگرایی اقتصادی، به منظور تقویت پایه‌های دولت مطلقه گردید. مبانی و بنیان‌های سیاستگذاری‌های مالی و اقتصادی، در دوران پهلوی اول رامی توان در اجرای سیاست اقتصاد دولتی، اجرای برنامه‌های عمرانی، حمایت از صنایع داخلی، تعادل بودجه و دریافت مالیات سنگین از مردم، احساء نمود. در این سال‌ها پادشاه ضمن ایجاد انحصارات گستردۀ در سطح صنعتی و اقتصادی، به مثابه عامل برتر و قدرت بلا منازع در عرصه پولی و مالی ایفاء نقش می‌نمود. بارزترین تحولات و شاخص ترین تغییرات در عرصه پولی و مالی جامعه و نظام اقتصادی کشور، در دوران زمامداری پهلوی اول، که منجر به تکوین و تکامل دولت مطلقه گردید را می‌توان به شرح آتی الذکر تبیین نمود:

- توسعه حوزه ارتباطات و حمل و نقل از طریق گسترش شبکه راه‌ها
- استقرار نظام بانکداری دولتی
- تاسیس وزارت اقتصاد ملی
- افزایش تعداد کارخانه‌های صنعتی
- انحصارات گستردۀ حکومت در تجارت داخلی و خارجی

در دوران پهلوی دوم نیز محمد رضا شاه در مسیر تکوین دولت مطلقه سلطنتی و تثبیت اقتدار خویش، تجمیع ساخت اقتصادی و سیطره بر بدنه مالی و صنعتی کشور را در دستور کار خود قرار داد. در این راستا نخستین برنامه توسعه اقتصادی کشور، تحت عنوان برنامه هفت ساله اول، در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی عملیاتی گردید. این برنامه ضمن ایجاد سازمان برنامه و بودجه برای تدوین، راهبری و اجراء چهار برنامه توسعه بعدی، در جهت برنامه ریزی‌های جامع اقتصادی و تمرکز و

ساختارهای اقتصادی قدیم را دستخوش تحولی راستین بنمایند. بدین ترتیب، طبقات و گروههای سنتی، همچنان مناسبات اقتصادی خویش را حفظ کردند.
(بشیریه، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰)

شرایط پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عرصه نظامات داخلی و بین‌المللی، عدم توفیق باystه دولت مطلقه سلطنتی پهلوی دوم در تحقق آرمانها و شعائر خویش، اقدامات سرکوب‌گرایانه فرمانروایان نسبت به معترضین به پا خاسته ... در کنار بسیاری از عوامل و مولفه‌های دیگر، منجر به اضمحلال ارکان زمامداری پهلویان و ظهور ساخت نوینی از حاکمیت در سطح جامعه ایرانی گردید.

ب) روند تکامل در عصر جمهوری اسلامی

به شمر نشستن پایه‌های انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در جامعه ایرانی، مرهون مشارکت حداقل‌تری و اجماع بین‌الاذهانی گروه‌ها، طبقات و طیف‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز اتفاق نظر ایشان در خصوص ضرورت مقابله با خفغان، استبداد، سلطه و سرکوب صورت گرفته توسط حکومت خاندان پهلوی بوده است.

در خصوص میانی، ارکان و سیاست‌های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی باید اشعار داشت که فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان اقتصاد و امور مالی (اصول ۴۳ الی ۵۵)، ضوابط و چارچوب هائی را به منظور هدایت و راهبری فعالیت‌های این عرصه ترسیم نموده است. بدین معنا که تامین استقلال اقتصادی کشور، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در مسیر رشد، به عنوان اهداف و آرمان‌های نظام، نصب العین تحرکات حوزه پولی و مالی جامعه قرار گفت. همچنین بافت و پیکره نظام اقتصادی مشتمل بر سه بخش مجازی دولتی و عمومی که خود دربرگیرنده کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک داری، بیمه، تامین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و...، تعاوی که متشكل از شرکت‌ها و

موسسات تولید و توزیع و خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات که مکمل فعالیت‌های دو حوزه قبلی (دولتی و تعاوی) می‌باشد، تعییه گردید.

نظام جمهوری اسلامی، در مسیر تحقق سیاستگذاری‌های اقتصادی، برنامه‌هایی را همچون بازیابی فرهنگ ملی و مقتضیات محیطی، برنامه‌هایی ریزی رشد و توسعه از طریق اجرای برنامه‌های عمرانی پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تامین اجتماعی و بیمه بیکاری، تنظیم حقوق کار در برنامه‌هایی اقتصادی، تامین شرایط و امکانات کار برای همه، قراردادن وسائل کار در اختیار نیازمندان، تعیین حداقل مزد کارگران، حفظ امنیت شغلی ایشان در جریان کار و حمایت از آن‌ها در مقابل اخراج، حمایت از اوقات فراغت کارگران از طریق اعطاء مخصوصی و...، برقراری ضوابط ایمنی و بهداشتی کار، هدایت کارگران به سمت ایجاد تشکل‌های کارگری، انعقاد پیمان‌های جمعی کار، ایجاد خدمات رفاهی در کارگاه‌ها و اجرای سیاست‌هایی متنوع اشتغال، به کارانداختن انفال و ثروت‌های عمومی نظیر اراضی موات و رها شده، معادن، دریاچه‌ها، آب‌های عمومی اعم از نهرها، رودخانه‌ها، برکه‌ها و...، کوه‌ها، دره‌ها، بیشه‌های طبیعی، مراتع، اموال مجھول المالک، ارث بدون وارث، اموال مسترد شده از غاصبین و...، توزیع عادلانه و بدون تبعیض منابع طبیعی کشور و درآمدهای ملی، بازگرداندن ثروت‌های نامشروع ناشی از ریا، غصب، رشو، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، داثر کردن اماكن فساد و... به صاحبان حق و در صورت معلوم نبودن ذی الحق، استرداد این ثروت‌ها به بیت‌المال، سیاست گذاری مختص رفع فقر و مبارزه با محرومیت در برنامه توسعه، حرکت در مسیر رشد و توسعه اقتصادی و افزایش ظرفیت و توان کشور در تولید کالا و خدمات، توجه به اقتصاد خانواده و تامین نیازهای اساسی آن‌اهم از تامین مسکن خانوار، تامین اجتماعی خانواده‌ها، سیاستگذاری اشتغال و تعديل اقتصادی و تاسیس شرکت‌های تعاوی توزیع و مصرف به منظور

دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۸۵

این رویکرد که در قالب «کارگزاران سازندگی» و با انتکاء به مدیران تکنوقرات، فن سالار و بورژوازی دولتی عینیت یافت، تدبیر و سیاست هائی نظیر جدیت در امر تولید، صنعتی شدن جامعه، رشد و رونق اقتصادی، ایجاد تاسیسات زیربنایی، توسعه کارخانجات، تعییه شبکه راه‌ها، ارتقاء شبکه ارتباطات، ایجاد واحدهای آموزشی غیر دولتی و... را در راس اهداف و برنامه‌های خود قرار داد. با این وجود، بخش صنعت، به دلیل سودآفرینی کمتر نسبت به بخش تجارت، نتوانست سرمایه‌های کلان را به سوی خود سرازیر سازد. به نظر می‌رسد انتکاء جامعه به درآمدهای حاصل از ابتیاع نفت، تاثیر بسزایی در عدم توفیق کارگزاران در خصوص وصول به اهداف اقتصادی شان ایفاء نموده است. در ادامه اصلاح طلبان، تدبیر اقتصادی دولت پیشین را مبنا قرار داده و در این راه، اقداماتی همچون تکمیل طرح‌های اقتصادی نیمه تمام، بازپرداخت بدھی‌ها، تک نرخی نمودن ارز و تلاش در مسیر آزادسازی بیشتر بهای ارز در هماهنگی با نرخ بازار بین‌المللی، کوچک‌سازی دولت و کاهش حجم دستگاه‌های اقتصادی، اجرایی و اداری، دنباله گیری برنامه‌های توسعه و ارائه برنامه پنج ساله سوم جهت اجراء، تاکید بر افزایش سطح کمی و کیفی صادرات غیرنفتی و... را اتخاذ نمودند. با پیروزی اصول گرایان در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ هجری شمسی، دولت بر لزوم تحقق «عدالت اجتماعی» تاکید ورزیده و بدین ترتیب ساختار نظام اقتصادی جامعه، تحت الشعاع این امر قرار گرفت. در ادامه، با به قدرت رسیدن جریان نزدیک به اصلاح طلبان در انتخابات ۱۳۹۲ هجری شمسی، بازگشت به سیاست‌های اقتصادی دوران اصلاحات و نیز مقطع سازندگی در دستور کار دولت قرار گرفت.

نتیجه گیری و جمعبندی

گذار به مدرنیته به طور عام و تکوین دولت مدرن به طور خاص با ویژگی‌های اقتصادی و مالی هر کشور ارتباط معناداری دارد. تغییرات عصر مدرن و تحول در جنبه‌های مختلف حیات جمیع همگی در بستر جامعه اتفاق افتاده و در درون یک بافت اقتصادی جریان می‌یابند. به هر روى واقعیت آن است که جامعه مدرن را باید به مثابه

تمامی مایحتاج عمومی خانوارها و توزیع عادلانه آن میان ایشان و... را در دستور کار خود قرار داد. خاطرنشان می‌سازد علاوه بر پایه‌های سه گانه نظام اقتصادی یعنی بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، پاره‌ای از موسسات اقتصادی، در ماده واحده قانون ۱۳۷۳/۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی احصاء گردیده‌اند، لیکن به موجب تبصره ۲ ماده واحده مذکور، اجرای قانون در موسسات و نهادهای عمومی که تحت نظر مقام معظم رهبری هستند، منوط به اذن معظم له خواهد بود. چه اینکه، اعضاء شورای نگهبان، در مقام بررسی و تطبیق این ماده واحده با موازین شرع انور، بیان داشته بودند «نظر به اینکه لا یاره مذکور، نهادهای تحت نظر مقام ولایت فقیه را نیز شامل می‌شود، بدون جلب موافقت مقام معظم رهبری خلاف موازین شرعی است.» سید محمد هاشمی در این خصوص اظهار داشته است که «موسسات و نهادهای اقتصادی تحت نظر مقام معظم رهبری، در برگیرنده واحدهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی هستند که نظیر آن‌ها در بخش خصوصی وجود دارد.»

در عصر جمهوری اسلامی، پس از استقرار دولت موقت، تدریجاً سه رویکرد متمایز و مجزای اقتصادی از یکدیگر منفک گردیدند. توضیح آنکه، جناح چپ منطق توزیع داشته و ضمن تاکید بر عدالت اجتماعی و تلاش در مسیر فقرزدایی، قائل به دخالت دولت در عرصه اقتصاد، کنترل بازار صنعتی و نیز دولتی کردن تولید، توزیع و تجارت خارجی بود. در این راستا، عنایت خاصی به اصل چهل و چهارم قانون اساسی به عمل آمده و با مبنا قراردادن فعالیت بخش دولتی در بدنۀ اقتصادی، نقش کمنگی برای بخش‌های تعاونی و خصوصی در نظر گرفته شده و سرمایه‌گذاری خارجی از سوی اشخاص حقیقی ممنوع اعلام گردید. اتخاذ چنین رویکرده‌ی، توسعه سطح مناسبات تجاری با کشورهای جهان سومی را به همراه داشته و میزان مبادلات با جوامع اروپائی را کاهش داد. رویکرد دوم که از سوی جناح راست اتخاذ گردیده بود، به منطق تجاری انتکاء داشت. بعدها، شاهد نگرش اقتصادی میانه رؤئی، با محوریت بخشیدن به منطق تولید بودیم.

یک نوع از حیات اجتماعی اقتصادی قلمداد کرد که تفاوت خود را با جوامع پیشامدرن در ماهیت تعاملات نوینی که در آن جریان دارد عیان می سازد. از آنجایی که حقوق هیچگاه نمی تواند پشت به جامعه ای بایستد که برای تنظیم روابط درونی آن شکل گرفته، توجه به بافت اقتصادی و ساختار مالی جامعه برای درک ماهیت مبهم و پیچیده دولت امری ضروری است.

باری؛ همانگونه که ادراک چیستی و ماهیت دولت مدرن مستلزم نگاهی همه جانبه و فراگیر به مجموعه ای از عوامل گونه گون سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، مالی، اداری، فرهنگی و... بوده، به طریق اولی درک بایسته اقتصادی و الزامات پیدایش این پدیده نیز مستلزم بررسی چند وجهی این مفهوم و نه صرفاً نگرشی تک ساحتی و تک على به آن می باشد. بر این بنیاد و با درک این امر که اساساً رو بنای سیاسی الگوی حکمرانی و دولت در جوامع مختلف، در تابعی از ساختار اقتصادی و مالی آن جوامع به عنوان زیربنای نظام حکومتی می باشد بایستی اذعان نمود که ارائه هرگونه تحلیل پیرامون مفهوم دولت در جامعه ایرانی، مستلزم درک بایسته تاثیرگذاری سنت های اقتصادی و خصائص مالی مردمان ایران زمین در نظام سیاسی و الگوی حکمرانی است.

بررسی تحلیلی مبانی اقتصادی و ارکان مالی حکومت های استقرار یافته در جامعه ایرانی، جهت ارزیابی سیر تکوین پدیده دولت مدرن، این حقیقت را فراروی محققین قرار می دهد که ایران زمین در آستانه ورود مدرنیته، بر ترکیبی از اصول و نگرش های ایران باستان و نیز انگاره های سیاسی مذهب تشیع استوار بوده و شاخه های اقتصادی جامعه نیز متأثر از مولفه ها و پارامترهای محفوظ در آن ها بوده است. در هنگامه اقتدار صفویان، برای نخستین بار پاره های از زمینه های ناقص ظهور دولت به ویژه در حوزه اقتصادی، عبور از بافت حکمرانی سنتی به ساختاری مدرن را نوید بخشید. پس از آن، به سبب سیطره افغان ها بر سطح کشور، روند دولتسازی و تطور در ساختار اقتصادی، با گسستی آشکار مواجه گردید. متعاقب این حضور واپسگرای قاجاریان بستر لازم را به منظور تکوین پایه ها و ارکان بافت نوینی از حکومت داری فراهم آورده

و شاخصه های اقتصادی در مسیر تکوین دولت، نقش آفرینی فربه ای ایفاء نمودند. ماحصل تدبیر متخده در این برهه زمانی، سرآغاز پیدایش و نهادینه شدن دولت ملی در کشور و شکل گیری دوران مشروطیت بود. با این وجود، عدم توفیق چشمگیر مشروطه طلبان در مسیر تحقق آرمانها و منویات خویش، آرام آرام زمینه را برای تحمل اقتدارگرایانه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و استقرار قهرآمیز دولت مطلقه نظامی و سلطنتی در عصر پهلوی هموار نمود. در عصر جمهوری اسلامی، منطق و محتوا عناصر حاکم بر بافت قدرت، بر پایه انگاره های تئوری ولایت انتسابی مطلقه فقیه که توسط امام خمینی (ره) ارائه گردید، در بافتی دینی و با تأکید بر جامعه ای توده ای و همگن حول محور امت اسلامی تکوین یافته و بر این مبنای ساختار اقتصادی جامعه تحت تاثیر عملیاتی شدن تئوری موصوف قرار گرفت.

پی نوشت:

۱. وینستن، اندرو (۱۳۸۵)، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ص ۱۵.

2. Lubaz.H. (1964), the Development of the Modern State, New York, Macmillan Pres. p 15.

۳. برای نمونه نک: تی بلوم، ویلیام (۱۳۷۶)، نظریه های نظام سیاسی؛ کلاسیک های اندیشه سیاسی و تحلیل سیاسی نوین، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر آران.

۴. نک: پوچی، جان فرانکو (۱۳۷۷)، تکوین دولت مدرن؛ درآمدی جامعه شناختی، ترجمه بهزاد باشی، تهران، انتشارات آگاه.

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: عظیمی آرایی، حسین (۱۳۷۸)، ایران امروز در اینه مباحث توسعه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

۶. افضلی، رسول (۱۳۸۶) چیستی دولت مدرن، دولت مدرن در ایران، ویراسته رسول افضلی و جمعی از همکاران، قم، موسسه انتشارات دانشگاه مفید، صص ۱۹-۲۱

7. Pierson, C. (1996), the Modern State, London, Rutledge Press, pp. 6-10.

در پیش‌بینی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۸۷

- زعمای این تفکر قرار دارند. از منظر لیبرال‌ها(Liberal) به ویژه مطلوبیت گرایان، اصول دوگانه عدالت یعنی آزادی و برابری، در نهایت با توزیع کالاهای اقتصادی و نیز موقعیت، فرست، مهارت، آزادی و احترام فردی سروکار داشته و براین باورند که دولت ضمن حداکثرسازی آزادی شهروندان، رسالت تعدیل نابرابری های اقتصادی، باهدف حمایت از قشر آسیب پذیر را عهده دار است. براین اساس لیبرال‌های جدید با اتکاء به تلاشی خستگی ناپذیر در مسیر برقراری امتزاج و آشتی میان دو مفهوم آزادی و برابری، حدی از مداخله دولت در اقتصاد را مجاز می دانند. جان راولز را باید تئوریسین اصلی این گروه خواند. جمع گراها(Collectivist) که خود متشكل از دو نحله سوسیالیسم و مارکسیسم هستند، ضمن تاکید فراوان بر اصل برابری، نقش آفرینی دولت در عرصه اقتصادی را بی بدلی ارزیابی می نمایند. برای مطالعه بیشتر در خصوص مکاتب سه گانه مورد بحث، نگاه کنید به: هداوند، مهدی(۱۳۸۴)، منبع پیشین، ص ۶۵-۶۴.
۱۱. هداوند، مهدی(۱۳۸۴)، منبع پیشین، ص ۶۲-۶۱.
۱۲. منبع پیشین، ص ۶۷.
۱۳. قاری سید فاطمی، سیدمحمد(۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر یکم، درآمدی بر مباحثه اقتصادی، مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۶۷.
۱۴. هداوند، مهدی(۱۳۸۶)، درآمدی بر مقررات گذاری اقتصادی، تهران، مجلس و پژوهش؛ فصلنامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۴۷.
۱۵. ضرورت امکان پذیری مبنی آن است که از نظر قانونی، الزاماتی را که مقررات گذاران نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی تحمل می نمایند، می باشد از بعد اقتصادی و فنی انجام پذیر باشد. به دیگر سخن بر اساس اصل استنادارد مبنای منطقی، مقررات گذاران ملزمند تا اثبات نمایند که تصمیمات ایشان دلبخواهی نبوده و قابلیت اعمال را دارد. لزوم تطابق سیاستگذاری های اقتصادی با قانون اساسی، در راستای عنایت و لحاظ محدودیت های نشات گرفته از عالی ترین سند حقوقی هداوند، مهدی(۱۳۸۴)، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۴، ص ۵۹-۵۸. همچنین برای مطالعه بیشتر پیرامون تاثیر مولفه های اقتصادی در روند تکوین نظریات حقوقی، سیاسی، اجتماعی و ارائه تئوری های متعدد عدالت نگاه کنید به: ایج. لستاف، مایکل(۱۳۸۱)، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، فصول ۷، ۱۰ و ۱۱، تهران، انتشارات کوچک. فون هایک، فردریش(۱۳۸۰)، قانون، قانونگذاری و آزادی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد، تهران، انتشارات طرح نو. فریدمن، میلتون ورز(۱۳۷۸)، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی، تهران، نشر فروزان. کارنیک، اجیت(۱۳۷۸)، نظریه های دخالت دولت، ترجمه محمدزمان رستمی، قم، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳. بشیریه، حسین(۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی تجدد نقد و نظر، تهران، نشر نی. پیرو و مبنی(۱۳۷۵)، فلسفه و اقتصاد، ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر، تهران، نشر جامعه و اقتصاد. رنانی، محسن(۱۳۸۳)، نقش دولت در اصلاحات نهادی از طریق قانونگذاری، تهران، نشریه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ویژه نامه قانون مناقصات عمومی، شماره سی و نهم. رنانی، محسن(۱۳۸۱)، ماهیت و ساختار دولت در ایران، نقش دولت در اقتصاد(مجموعه مقالات) به کوشش سعید فرهادی فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. دادگر، یدالله(۱۳۸۳)، تقریرات درس مالیه عمومی و اقتصاد دولت، دوره کارشناسی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.
۹. کارنیک، اجیت(۱۳۷۸)، نظریه های دخالت دولت، ترجمه محمدزمان خسروی، قم، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳، ص ۳۵.
۱۰. مکتب اختیارگرا(Leibertarian) که طرفدار حقوق طبیعی است دخالت دولت در عرصه اقتصادی را بجز در موارد محدود، نادرست انگاشته و ضمن تاکید بر تفوق آزادی فردی، نظام سیاسی مستقر را فاقد دانش لازم برای تمثیل امور اقتصادی می داند. هایک و فریدمن در عداد

۱۹. طباطبائی، سید جواد (۱۳۷۵)، خواجه نظام الملک، تهران، انتشارات طرح نو، صص ۷۵-۷۱. همچنین؛ نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست و رفتار خارجی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، صص ۱۴-۱۲.
۲۰. لمبتوون، آن. کی. اس (۱۳۷۹)، نظریه دولت در ایران، ترجمه چ پهلوان، تهران، نشر گیو، ص ۲۲.
۲۱. سیف، احمد (۱۳۷۳)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشممه، ص ۳۴.
۲۲. سیروی، راجر (۱۳۸۰)، در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران، نشر مرکز، ص ۱۳۱. و نیز؛ فوران، جان (۱۳۸۳)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا، صص ۳۷۷-۳۶۹.
۲۳. کدی، نیکی. آر (۱۳۷۵)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۶.
۲۴. لمبتوون، آن. کی. اس (۱۳۶۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۸۵.
۲۵. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، نوسازی و اصلاحات در ایران، از اندیشه تاعمل، تهران، نشر قومس، ص ۷۱.
۲۶. سیف، احمد (۱۳۷۳)، همان منبع، ص ۴۰.
۲۷. فوران، جان (۱۳۸۳)، همان منبع، ص ۱۴۴.
۲۸. سیف، احمد (۱۳۷۳)، همان منبع، ص ۴۷.
۲۹. موثقی، احمد (۱۳۸۸)، همان منبع، صص ۷۳-۷۲.
۳۰. کدی، نیکی. آر (۱۳۷۵)، همان منبع، ص ۴۷.
۳۱. منبع پیشین، صص ۵۷-۵۶.
۳۲. حبیبی خوزانی، محمد (۱۳۸۷)، گفتمان مشروطه اسلامی؛ بررسی زمینه‌های پیدایش و شکل گیری گفتمان مشروطه اسلامی در عصر مشروطیت ایران، تهران، انتشارات گام نو، ص ۲۰.
۳۳. آدمیت، فریدون (۱۳۴۴)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پیام، ص ۱۰۳.
۳۴. الگار، حامد (۱۳۶۹)، نقش روحانیت پیشو در جنبش مشروطیت، تهران، شرکت سهامی انتشار، صص
- و سیاسی کشور قابل ارزیابی می‌باشد. تصمیم‌سازی اقتصادی با مدنظر قراردادن قوانین موضوعه، آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود حق و تکلیف، سبب جلوگیری از اتحاد تدبیر متعارض و ناهمنگون و نیز تکریم حق اعراض اشخاص نسبت به ضوابط مغایر با قواعد لازم الاجراء را به همراه خواهد داشت. با استفاده از کنترل قضائی تصمیمات متخذه از سوی نهادهای مقررات گذار در معرض بررسی و نظارت محاکم مستقل و بی‌طرف قرار گرفته و با انکاء به اصولی نظیر کنترل تطبیق این گونه تصمیم‌سازی‌ها با قانون اساسی و قوانین موضوعه، توجه به ملاحظه بودن روش‌ها و دستورالعمل‌های لازم الاتیاع پیرامون نحوه دسترسی به اطلاعات اقتصادی، عنایت ویژه به نقش آفرینی شهروندان یا نمایندگان ایشان در فرآیند تصمیم‌گیری‌های حوزه مالی و پولی و... در جهت پاسداری از حقوق بنا بر این آحاد مردم گام برداشته می‌شود. پیاده‌سازی مفهوم وجود الزامات شکلی لازم الرعایه ای در زمینه مقررات گذاری اقتصادی می‌باشد. بر این مبنای، سیاست گذاری‌های اقتصادی ضرورتاً می‌باشد مبنی قانونی تصمیم واضعین قواعد موصوف، اطلاعات و استدلالات ارائه شده از سوی تمامی طرف‌های دخیل و موثر در تصمیم‌سازی، علت رجحان ادله گروهی از واضعین مقرر بر تفکر سایر اعضاء موثر در تصمیم و... باشد. برای مطالعه بیشتر پیرامون شرایط اساسی صحت مقررات گذاری اقتصادی نگاه کنید به: هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، منبع پیشین، صص ۷۳-۷۰. همچنین نگاه کنید به: هاولت، مایکل و راش، ام (۱۳۸۰)، مطالعه خط مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی. هیوز، آون (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی توین، ترجمه سید مهدی الوانی و دیگران، تهران، انتشارات موارید.
۱۶. هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، منبع پیشین، ص ۵۸.
۱۷. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۵)، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، تهران، نشر مرکز.
18. Mangaberia Unger, Robert (1976), Law in Modern Society: toward a Criticism of Social Theory, New York, Free Press, p. 135.

دربی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۸۹

۴۴. مطلبی، مسعود(۱۳۸۶)، تکوین دولت مطلقه مدرن در ایران در دولت مدرن در ایران، همان منبع، صص ۱۹۳-۱۹۵.
۴۵. اصول هجدهم و بیستم قانون اساسی مشروطیت.
۴۶. اصل نوزدهم قانون اساسی مشروطیت.
۴۷. اصل بیست و دوم قانون اساسی مشروطیت.
۴۸. اصل بیست و سوم قانون اساسی مشروطیت.
۴۹. اصل بیست و چهارم قانون اساسی مشروطیت.
۵۰. اصل بیست و پنجم قانون اساسی مشروطیت.
۵۱. اصل بیست و ششم قانون اساسی مشروطیت.
۵۲. اصل چهل و هشتم قانون اساسی مشروطیت. خاطرنشان می سازد اصل یاد شده به موجب تصمیم مجلس موسسان به تاریخ ۱۳۲۸/۲/۱۸ مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت.
۵۳. به نقل از: بدیع، برتران و پی برن، بوم(۱۳۷۹)، جامعه شناسی دولت، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، نشر باز، صص ۵۲ و ۵۹.
54. Vaghefi,M.R. (1975), Modernization Of Iran: 1925-1975, University Of North California, State Management Training Center,p.11.
55. Ibid. P. 14.
۵۶. قدس، رضا(۱۳۷۴)، دولت و جامعه در ایران، ترجمه علی طایفی، مجله فرهنگ و توسعه، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۴۴.
57. Bharier, J.(1971), Economic Development In Iran 1900- 1970, London, Oxford University Press,P. 241.
۵۸. فوران، جان(۱۳۸۳)، همان منبع، ص ۳۵۱.
۵۹. خلیلی خو، محمد رضا(۱۳۷۳)، توسعه و نوسازی در ایران دوره رضاشاه، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ص ۱۶۷ و نیز:
- Karshenas, M.(1990), Oil, State And Industrialization In Iran, Cambridge, Cambridge University Press,P. 177.
- خاطرنشان می سازد منبع یاد شده تحت عنوان نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، توسط آقایان علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبد الوهاب ترجمه گردیده و به سال ۱۳۸۲ در تهران، انتشارات گام نو به چاپ رسیده
۶۰. همچنین: حائری، عبدالهادی(۱۳۶۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، انتشارات امیرکبیر، صص ۸۵-۶۵. و نیز: کدی، نیکی. آر(۱۳۷۵)، همان منبع، صص ۱۴۶-۱۱۹.
۶۱. آبراهامیان، برواند(۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمسی آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، ص ۶۸. همچنین: حبیبی خوزانی، محمد (۱۳۸۷)، همان منبع، ص ۴۲.
۶۲. در این زمینه نگاه کنید به: کرمانی، نظام الامام (۱۳۴۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۶۳. همچنین: کسری، احمد (۱۳۶۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر. و نیز: رائین، اسماعیل(۱۳۵۵)، انجمان های سری در انقلاب مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۶۴. رحیمی، مصطفی(۱۳۵۷)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۶۲.
۶۵. شهرام نیا، مسعود (۱۳۸۶)، جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی نگاه معاصر، ص ۲۶۵.
۶۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، انتشارات گام نو، ص ۶۸. همچنین نگاه کنید به:
- Almond, G. (1937), Political Development: Essays in Heuristic Theory, New York,pp. 229-230.
۶۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، همان منبع، صص ۶۶-۶۰.
۶۸. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی تحول دولت مدرن در غرب و ایران، در دولت مدرن در ایران، همان منبع، صص ۲۰۴-۲۰۳.
۶۹. مور، برینگتون(۱۳۶۹)، ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر دانشگاهی، صص ۶۲-۳۱.
۷۰. سمیعی، علیرضا(۱۳۸۶)، دولت مطلقه مدرن و نوسازی اقتصادی- اداری در ایران ۱۳۰۴(۱۳۷۶) در دولت مدرن در ایران، همان منبع، ص ۴۷۵.

- کشتیرانی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲۲، قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گردی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳، لایحه قانونی ملی شدن موسسات بیمه و موسسات اعتباری مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۸، با اصلاحات، الحالات و اضافات بعدی. همچنین در باب گستره حوزه نقش آفرینی بخش دولتی در عرصه اقتصاد نگاه کنید به: بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ص ۳۳۶. (در خصوص بحث خدمات). سنجابی، کریم (۱۳۴۲)، حقوق اداری ایران، تهران، انتشارات زهره، صص ۳۷۵-۳۷۶ همچنین: مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظرات شورای نگهبان، دوره اول، تهران، انتشارات کیهان، جلد اول، ص ۱۶۰.
۶۸. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۱۳/۶ و اصلاحات و الحالات بعدی. ۱۳۷۰.
۶۹. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۲)، تحلیل و بررسی احتکار در فقه اسلام، تهران، نشر اندیشه های نو در علوم اسلامی، ص ۵۳. بناء رضوی، مهدی (۱۳۶۷)، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۳۹. موسوی خمینی (ره)، آیت الله العظمی سید روح الله (ره) ۱۱۴۰۳ هجری قمری، تحریرالوسیله، جلد دوم، نجف، مکتبه الاعتماد، ص ۵۵۸.
۷۰. اصل چهل و سوم قانون اساسی.
۷۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: پازوکی، مهدی (۱۳۵۵)، تحقیق در رابطه نظام حقوقی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات مروارید، صص ۳۰-۱۲.
۷۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و اصلاحات بعدی و نیز: قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ و اضافات بعدی.
۷۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: اصل بیست و هشتم و بندهای ۲ الی ۴ اصل چهل و سوم قانون اساسی. همچنین: قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ و اصلاحات و الحالات بعدی.
- است.
۶۰. حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۸)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۵۰.
۶۱. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، موسسه‌نشر علوم نوین، ص ۴۵.
۶۲. Amuzgar, J. And Fekrat, M. A. (1971), Iran Economic Development Under Dualistic Conditions, Chicogo, P. 64.
۶۳. سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹)، رشد روابط سرمایه داری در ایران؛ مرحله گسترش، تهران، انتشارات شعله اندیشه، ص ۵۵۰.
۶۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران، انتشارات قومس، ص ۱۵۱.
۶۵. برای اطلاع بیشتر پیرامون تاثیر دلالهای نفتی بر پیکره نظام مالی و پولی و انباشت و تجمیع اقتدار اقتصادی نزد پهلوی دوم نگاه کنید به: شهابی، هوشنگ و لینز، خوان (۱۳۸۰)، نظام های سلطانی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر شیرازه، صص ۸۰-۸۱. رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۸)، اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ص ۱۴۰. گازیورووسکی، ارک. جی (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنیان دولت دست نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ص ۳۰۳.
۶۶. اصل چهل و سوم قانون اساسی.
۶۷. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به قوانین متعددی نظیر: قانون ملی شدن بانک ها مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۱ شورای انقلاب، قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸. قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران مصوب ۱۳۵۸/۴/۲۵ شورای انقلاب، قانون معادن مصوب ۱۳۶۲/۳/۱، قانون تغییر نام وزارت راه به وزارت راه و ترابری و تشکیلات آن مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۴، قانون تشکیل شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۹، قانون هواپیمائی کشوری مصوب ۱۳۲۸/۵/۱، قانون تاسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران مصوب ۱۳۴۵/۴/۱۴، لایحه قانونی راجع به شرکت خدمات هواپیمائی کشوری (آسمان) مصوب ۱۳۵۹/۴/۵ شورای انقلاب، قانون راجع به تاسیس سازمان بنادر و

دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان
No.37 Winter 2015

۱۹۱

- همچنین درخصوص چالش‌های اقتصادی ایران در این مقطع زمانی نگاه کنید به: رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۱۶۹.
- عظیمی آرانی، حسین(۱۳۸۴)، کارکردهای نظام سیاسی در فرآیند توسعه، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ص ۱۷. طبیبیان، محمد و دیگران(۱۳۸۰)، آزادی خواهی نافرجام، تهران، انتشارات گام نو، صص ۱۸۳-۱۸۴.
۸۸. موثقی، احمد(۱۳۸۸)، همان منبع، ص ۲۸۳.
- همچنین برای آگاهی بیشتر پیرامون سیاست خصوصی سازی در جامعه ایرانی نگاه کنید به: غنی نژاد، موسی(۱۳۷۹)، آنچه از خصوصی سازی برجای مانده است، تهران، روزنامه ایران، دوشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۹ ص ۵. و نیز: حیدری، احمد(۱۳۷۸)، خصوصی سازی و جامعه مدنی، تهران، روزنامه عصر آزادگان، چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۷۸، ص ۷.
۸۹. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: سحابی، عزت‌الله(۱۳۸۳)، بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت در ویژه نامه نشریه چشم انداز ایران، تهران، ص ۵۲-۳۹.
۹۰. رزاقی، ابراهیم(۱۳۷۶)، نقدی بر خصوصی سازی ایران، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، صص ۵۶-۵۴.
۹۱. برای مطالعه بیشتر در مورد سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاحات، مراجعه کنید به: رنانی، محسن(۱۳۷۶)، بازار یا نابازار؟، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، صص ۳۹۵-۴۰۲. نویمان، فرانتس(۱۳۷۸)، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات شرکت سهامی خوارزمی، صص ۱۱۰-۷۵.
- تیاسن، آرما (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، تهران، انتشارات کویر، صص ۸۵-۴۲.
- همچنین نگاه کنید به روزنامه‌ها و نشریات: ایران، شماره ۳۲۰۸، مورخه ۱۰/۵/۱۳۸۴، ص ۲۹. ایران، شماره ۱۳۸۳/۷/۲۲، مورخه ۱۳۸۳/۷/۲۲، ص ۱۳. همشهری، شماره ۱۹۲، مورخه ۱۸/۱/۱۳۸۱، ص ۹. شرق، شماره ۱۹۲، مورخه ۲۹/۲/۱۳۸۳، ص ۷.
۹۲. موثقی، احمد(۱۳۸۸)، همان منبع، صص ۳۰۷-۳۰۵.
۷۴. اصل چهل و پنجم قانون اساسی.
۷۵. اصل چهل و هشتم قانون اساسی.
۷۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: اصل چهل و نهم قانون اساسی. همچنین: قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی مصوب ۷/۵/۱۳۶۳ و اصلاحات و الحالات بعدی.
۷۷. باید توجه داشت که رشد اقتصادی، امری مادی، عینی و کمی است، در حالی که توسعه اقتصادی مبین رشدی است که در آن تغییرات بنیانی و کیفی در ابعاد گوناگون فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و اجتماعی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: زندی حقیقی، منوچهر(۱۳۶۹)، اقتصاد؛ فنون تجزیه و تحلیل اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۳۳. قدیر اصل، باقر(۱۳۵۶)، کلیات علم اقتصاد، تهران، نشر سپهر، ص ۴۶۶. قره باغیان، مرتضی(۱۳۷۲)، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران، نشر نی، صص ۹۵-۷۸.
۷۸. اصل دهم قانون اساسی.
۷۹. اصل سی ام قانون اساسی.
۸۰. اصل بیست و نهم قانون اساسی.
۸۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: فصل پنجم قانون کار مصوب ۹/۲۹ ۱۳۶۹/۸ ماد ۱۰۷ الی ۱۲۹.
۸۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: فصل سوم قانون کار مصوب ۸/۲۹ ۱۳۶۹/۸ ماد ۴۱ الی ۵۰.
۸۳. نظریه شماره ۵۳۳۱ شورای نگهبان قانون اساسی مورخه ۱۴/۷/۱۳۷۲.
۸۴. هاشمی، سید محمد(۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، ص ۳۶۵.
۸۵. موثقی، احمد(۱۳۸۸)، همان منبع، ص ۲۷۶.
۸۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: Valibeigi, M.(1994), The Private Sector In Iran's Post- Revolutionary Economy, Journal Of South Asian And Middle Eastern Studies, Vol. XVII, No. P. 15.
۸۷. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: عظیمی آرانی، حسین(۱۳۷۴)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، صص ۱۶-۱۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

۱۹۲